



ارتقای کیفیت زیست‌شهروندان

زهره شمس احسان
رئیس کمیته اجتماعی شورای شهر تهران

مدیریت در هر سطحی نیازمند نظارت و ارزشیابی راهبردی است. هر قدر این نظارت‌ها جمع‌تری و بزرگ‌مقیاس‌تر باشد، سلامت، کیفیت و کارآمدی مدیریت بالاتر خواهد رفت؛ لذا مدیریت شهری هم نیازمند نظارت و کنترل است. فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در سطح شهر از طریق سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و پایش عملکرد تحقق می‌یابد؛ از این رو هر اجتماعی در هر مقیاسی نیازمند مشارکت، مطالبه و نگهداشت حقوق شهروندی است. به این ترتیب شورای اسلامی شهر دغدغه حمایت از منافع عمومی شهر و شهروندان را دارد و با نگاه جامع و منسجم به کلیت شهر سعی دارد به صورت یکنواخت کیفیت زیست‌شهروندان را ارتقا دهد. تهران امروز با شهر دهه‌های پیشین تفاوت معناداری دارد. وقتی به قانون شهرداری‌ها در سال ۱۳۳۴ نگاه می‌کنیم این قانون برای شهر تهران نوشته شده که حول و حوش یک میلیون نفر جمعیت داشت و مساحت آن بسیار کمتر بود؛ لذا این قانون با ساز و کارهای دهه ۴۰ و ۵۰ تعیین شده و پاسخگوی نیازهای آن روزگار بود. شهر امروز در آستانه ۱۰ میلیونی شدن و مساحت آن بالای ۷۰۰ کیلومتر مربع است. حریم آن بسیار گسترده‌تر و چالش‌های آن پیچیده‌تر شده و در وضعیت فعلی، شکلی نیست از منظر قانونی، کارکردی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فناوری شهر امروز به سیرت و صورت، متفاوت از دهه‌های پیشین است. اساساً شهروندان تهرانی شیوه زیست‌شان تغییر کرده و این تغییر ادامه دارد؛ لذا از منظر قانونی و شهرسازی اکولوژیکی و اجتماعی ما نیز نیازمند بهینه‌سازی هستیم. با توجه به این شرایط، جایگاه شهروان هم می‌تواند به تعبیری بازنگری شود و کیفیت مدیریت شهری و رسالت‌ها و مأموریت‌های آن به‌روز و پاسخگو تر شود. برای تحقق جایگاه شهروان ضرورت دارد که از ظرفیت‌های این نهاد در کمیسیون‌های تخصصی بهره‌مند شویم.



خلأ قانونی در شوراهای شهر

مهدی بابایی
رئیس کمیته محیط‌زیست شورای شهر تهران

جایگاهی که در قانون تعریف نشده اجرا نمی‌شود چرا که ساز و کار اجرایی برای نظارت بر دیگر نهادها و وزارتخانه‌های سطح شهر وجود ندارد و صرفاً به شورای شهر داری تهران تبدیل شده است. فعالیت شورای شهر در حوزه شهرداری‌ها قابل قبول است اما جای آن تقاضا دارد و می‌توان ساز و کارهای بهتری در قانون در نظر گرفته شود که نظارت در حوزه شهرداری تقویت شود ولی فعلاً سیاستگذاری در حوزه شهرداری است و نمی‌توان گفت صرف مدیریت شهری است چرا که خلأ قانونی وجود دارد و مدیریت واحد شهری در کشور نداریم و به هر حال کمابیش مردم در شهرهای مختلف می‌بینند وجود شوراهای با عت می‌شود عملکرد شهرداری‌ها زیر دره بین باشد و سیاستگذاری در این حوزه انجام می‌شود ولی به دلیل اینکه مدیریت یکپارچه شهری نداریم و در قانون آمده است که نظارت بر دیگر نهادها و ارگان‌ها باید صورت بگیرد اما ساز و کار قانونی دیده نشده است و محقق نشده و با اصلاح قانون این فرایند باید اصلاح شود. عقیده راسخ دارم که اگر شورا وظیفه قانونگذاری و نظارتی خود را به نحو مطلوب انجام دهد شاهد نوسانات شدید در حوزه عملکردی مدیریت شهری نخواهیم بود. اینگونه نباشد که در مدیریت شهری خاص دچار افول جدی شویم و در دیگری در قله قرار بگیریم. تفاوت بین کف و سقف به دلیل سیاستگذاری و نظارت شورا است که دچار افول و صعود می‌شود ولی اگر به صورت دقیق کارها انجام شود مسیر پیشرفت متوازی را در شهر شاهد خواهیم بود.

کاهش خطر پذیری

کمیسیون سلامت و خدمات شهری تهیه سند کاهش خطر پذیری محلات شهر تهران را در این دوره پیگیری کرد.

تملک باغات و بهره‌برداری بوستان‌ها

از ابتدای دوره ششم تاکنون ۴ باغ به نام جعفریان به مساحت ۲۳۶۰ متر مربع در منطقه ۱۰، قالیسوی به مساحت ۵۳۴۳ متر مربع در منطقه ۱۶، زمین مشجر خیابان تولید دارو با مساحت ۱۸۳ متر مربع در منطقه ۱۷ و ملک قدرت پاکی با مساحت ۲۸۰۰ متر مربع در منطقه ۱۷ برای احداث بوستان، تملک شده است. ۵ بوستان (مهتاب و لشکر در منطقه ۸، باغ نظر در منطقه ۱۰، مافی در منطقه ۱۱ و باغ سبزی در منطقه ۱۷) نیز در سال ۱۴۰۱ که از محل اخذ عوارض حفظ و گسترش فضای سبز تملک شدند، به بهره‌برداری رسیدند.

کنترل حریم

شورای شهر پیگیری کنترل الزامات ساخت و ساز در حریم پهنه‌های گسلی، حریم رودها و مسیل‌ها بوده است.



شورا جامعه‌ای کوچک و چابک در اداره شهر

معتقدم راه‌حل بسیاری از مسائل و مشکلات خوشه شهر تهران حرکت به سمت مدیریت یکپارچه شهری است؛ فارغ از اینکه این مدیریت در چه جایگاهی مستقر شود. اعتقادم این است که در عدم تحقق جایگاه شورا موضوع تفویض اختیارات اهمیت زیادی دارد؛ چرا که انتقال قدرت به بخش‌ها، نهادها و مؤسسات همیشه به‌سادگی قانونگذاری نیست و الزامات و پیش‌نیازهایی دارد که برای دسترسی به آن مجموعه عوامل و عناصر تمرین و ممارست لازم است. در حقیقت از زمان تصویب قانون اساسی کمتر از نیم‌قرن و از زمان شروع به بهره‌برداری از ظرفیت شوراهای کمتر از ربع قرن می‌گذرد و شاید سرعت تحولات و پیشرفت جامعه است که این تصور را ایجاد می‌کند که در این حوزه خیلی کند پیش‌روی می‌شود؛ هرچند در عمل تمرین این مردم‌سالاری دینی و مردم‌سالاری اسلامی که به بیان رهبری حرف نوبی است که مادر ادبیات سیاسی و مباحث سیاسی دنیا وارد کرده‌ایم حداقل بسیاری را به‌هم ریخته و در حال تنظیم روابط مدیریت در قالب‌های بدیع برآمده از هویت دینی و ملی به شکل انسانی و اسلامی است. پس برای تحقق آن باید تلاش مداوم مدنظر باشد و از پستی و بلندی هم در دستیابی به وضعیت بهینه گریزی نیست. به‌نظر مشارکت مردم در انتخاب نمایندگان می‌تواند یک عامل بنیادین در جهت تشخیص و اعتبار جایگاه شورا باشد و در بخش دیگر هم انتخاب نمایندگان متخصص و متعهد در همه ابعاد است. شورا باید جامعه‌ای کوچک، چابک و تخصصی از میان مجموعه دانش‌های مورد نیاز برای اداره یک شهر باشد؛ هرچند در این میان شهرسازی، معماری، حقوق، حسابداری و حسابرسی، عمران و مدیریت در انواع گرایش‌ها، محیط‌زیست و حکمرانی در نگاه اول بیشتر به چشم می‌آیند. در جمع‌بندی کلی باید عنوان کنم که شخصاً با یک شناخت تقریباً صحیح از شورا و نحوه کارکرد آن و به‌دنبال تصحیح نگاه سیاسی به نگاه اجتماع‌محور وارد این تلاش همگانی اجتماعی (شورا) شدم و حقیقتاً از اساس به‌دنبال تزیین نگاه اجتماعی به مقوله شورا و پرهیز از هرگونه عمل سیاست‌زده بوده و هستم. شاید یکی از دلایل عدم اقبال شورا در حرکت به سمت مدیریت یکپارچه شهری عدم اطمینان از بلوغ حقیقی شوراهای بوده باشد. برای اصلاح و بهبود جهت حرکت بسیاری از محورهای واردکننده نیرو و تنظیم آنها در مسیر فلاح و رستگاری جمعی از منظر مدیریت شهری ابتدا باید به یک نقطه سر به‌سر برای اصلاح و تنظیم جهت رسید.

ساز و کار مورد انتظار شهر می‌شود؛ مثلاً شهردار تهران به جلسات هیأت دولت دعوت می‌شود و هم‌تراز با اعضای هیأت دولت قرار می‌گیرد و البته این مسئله توافقی ضمنی است که الزاماً در همه ادوار نیز برقرار نبوده است. در عین حال هیأت تطبیق مصوبات شورای شهر تهران موضوع قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران عملاً در ذیل فرمانداری تهران تشکیل می‌شود. در عمل شورای شهر تهران و به تبع آن شهرداری تهران در چنین شکلی به ساختار دستگاه‌های سیاسی و اجرایی کشور متصل و متصف می‌شود. هیأت تطبیق واجد اشخاص صاحب‌نظر از منظر قضایی، شهروندی و دولتی است و در صورت ابهام در تشخیص یا به‌منظور بررسی بیشتر و دقیق‌تر مصوبات شورا روسای هیأت‌های تطبیق مجاز دانسته شده‌اند تا از نظرات مشورتی کارشناسان ذیربط استانداری و مشاوران مجرب بهره‌برند. البته همچنین استفاده از نمایندگان دستگاه‌ها و سازمان‌های دیگر نیز مجاز شمرده شده؛ هرچند بدون حق رأی. در نهایت حسب قانون، جلسات هیأت تطبیق با حضور حداقل آ نفر رسمیت یافته و تصمیمات با نظر آ نفر معتبر است؛ هرچند نباید از نظر دور باشد که هیأت تطبیق موظف است حداکثر ظرف ۲ هفته از تاریخ ابلاغ مصوبه با ذکر مورد و مستند اعتراض خود را به شورا اعلام و درخواست تجدیدنظر کند و عدم اعلام نظر در فرصت قانونی به‌منزله تصویب است. از آن سو عدم ارسال پاسخ لازم از سوی شورا در فرصت قانونی به منزله پذیرش اعتراض هیأت تطبیق است. در صورت عدم توافق و اصرار شورا بر مصوبه موضوع ظرف آ روز با درخواست کتبی رئیس هیأت تطبیق به هیأت حل اختلاف ذیربط ارجاع می‌شود؛ مضاف بر اینکه هیأت‌های تطبیق موظفند به‌صورت مستمر گزارش اقدامات و عملکرد خود را به اطلاع استانداری و در سلسله مراتب به اطلاع وزارت کشور برسانند. با مرور آنچه مکتوب شد جایگاه قانونی شورا در مقایسه با جایگاه عملی شورا به سهولت دیده می‌شود. ضرورت وجود این نهاد پاسخگویی به نیاز شهر و شهروندان است و وضعیت کنونی شورا را می‌توان از طریق امثال و حکم در زبان فارسی علی‌الخصوص آنجا که گفته می‌شود «رنگم بین، حالم میرس» دریافت. شاید در قیاس نبود شورای شهر با وضعیت کنونی آن به‌طور عام بتوان از وحشی بافقی بیتی را وام گرفت «حالم میرس ای همنشین بی‌طره آن نان‌زین / آشفته بودم پیش از این هستم پریشان همچنان» در نهایت



زهره شمس احسان
رئیس کمیسیون نظارت و حقوقی شورای شهر تهران

قانون اساسی به‌عنوان عالی‌ترین سند حقوقی کشور به بهترین وجه در جهت جلب رضایت مردم از طریق گشودن باب‌های متعدد همکاری با توجه به مقتضیات و رعایت سلسله‌مراتب تعیین حدود کرده است. در فصل هفتم قانون اساسی در اصول یکصد تا یکصد و ششم چارچوب مناسبی برای تعریف جایگاه شوراهای محلی حسب مقیاس تعیین شده است. در قانون اساسی حلقه وصل شوراهای محلی با مجلس شورای اسلامی به‌درستی ترسیم شده است و به شورای عالی استان‌ها اجازه داده شده تا مستقیم و بدون واسطه طرح‌های مورد نظر را تهیه و به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کند؛ هرچند این مسیر از مجرای عبور دولت به مجلس نیز به‌طور موازی بازنگه‌داشته شده است. در ادامه در اصل یکصد و سوم مقامات سیاسی و سایر مقامات کشوری ملزم به رعایت تصمیمات شوراهای محلی در حدود اختیارات شده‌اند. در همین محل گرهبایی وجود دارد که با تمرین و تکرار باید شوراهای دستگاه‌های دولتی را به‌نحوی به درجاتی از هماهنگی رسانید که با صرف کمترین انرژی بیشترین بهره‌وری ایجاد شود. کلید این هماهنگی از قبل در اصل یکصد و پنجم به‌ودیعه گذاشته شده است؛ به بیان صریح تصمیمات شوراهای محلی مخالف اسلام و قوانین کشور باشد. در واقع قانونگذار دامنه فعالیت مصوبات شورا را بسیار وسیع و در عین حال در چارچوبی کاملاً استوار تنظیم و تدقیق کرده است. حتی برای برچیدن و انحلال نیز در اصل یکصد و ششم پیش‌بینی‌های لازم صورت گرفته است. حال مسئله اینجاست که آیا جایگاه فعلی شورا پاسخگوی نیازهای شهر است؟ به‌نظر جایگاه شورا را باید از وجوه متعدد به‌بوته آزمایش گذاشت. قانون اساسی به شکل مترقی و منظم به موضوع پرداخته است؛ لکن در خصوص تهران به‌عنوان پایتخت، موضوعات کمی پیچیدگی فنی دارد. به‌طور مثال وزن استقرار وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی در مقیاس ملی موجب بروز ارتعاشاتی در